

گروهی با استفاده از رانت، امتیاز و حاکمیت پول قادر به انجام هر کاری هستند و توانایی انجام هر فعلی را دارند، توانایی که باعث به حاشیه راندن گروه‌های دیگر شده است. در برخی از مسائل که گویا نگاه قانونی یکسانی وجود ندارد. مثلا پرونده‌های عوامل اسپدپاشی، اختلاس و... هنوز به سرانجام نرسیده است ولی احکام مربوط به حوزه‌های زندگی شخصی یا یک اظهارنظر یا انتقاد پیگیری و صادر شده است.

صورت مساله را پاك نکنید؛



مرتضی آژند

اگر نظرسنجی موسسه‌ها را در مورد غمگین بودن کشور سیاه‌نمایی عوامل خارجی از وضعیت کشور بدانیم؛ نگاهی به سبک زندگی و حتی ظاهر قاطبه مردمی که در اطرافمان زندگی می‌کنند به خوبی نشان می‌دهد که ما مردم غمگینی شده‌ایم یا حداقل شاد نیستیم. در جواب سوال چرا ما غمگین هستیم؛ باید پرسید که چرا باید شاد باشیم؟

برای شاد بودن شاخص‌ها و عواملی لازم است تا بتوان به واسطه وجود آنها احساس رضایت به شخص و جامعه دست دهد. آیا به واسطه رونق اقتصادی و نرخ پایین بیکاری باید خوشحال بود؛ یا به واسطه امکان کارآفرینی و بروز خلاقیت؟ باید به واسطه کیفیت خدمات بهداشتی و خدمات بیمه درمانی کارآمد برای همگان خوشحال بود؛ یا فرصت تحصیل رایگان و کارایی خدمات آموزشی؟ ایمنی و امنیت، حکمروایی، سرمایه اجتماعی و... دیگر شاخص‌هایی هستند که برای هر کدام می‌توان چنین سوال‌هایی را طرح کرد.

سوال‌هایی که جواب دادن به آنها می‌تواند گویای کیفیت زندگی افراد جامعه باشد، که این همان نتیجه‌ای است که موسسه‌های نظر سنجی آمار آن را داده‌اند و پاسخی‌ست به بخشی از سوال چرا نباید خوشحال باشیم. برای دادن پاسخ کامل به سوال، لازم است عوامل دیگری را که بیشتر به آزادی‌های فردی و حق انتخاب‌ها مربوط است را در نظر بگیریم که می‌توان آن را در دو بخش محدودیت‌ها و شرایط مکانی مورد بررسی قرار داد.

محدودیت‌ها: جامعه از سلیقه‌های مختلفی تشکیل شده است (جنسیت، گروه‌های سنی، گروه‌های شغلی و...) که لازمه رضایت‌مندی همه گروه‌ها پاسخگویی به این سلیقه‌هاست. منظور حق انتخابی آزادانه است نه پنهانی، بدون آنکه فرد یا افراد به واسطه آن عمل دچار محدودیت‌های بعدی شوند. مثلا بیان نظرات شخصی در خانه و جامعه بدون ترس و بدون احساس ناامنی، یا دنبال کردن موسیقی مورد علاقه، بدون محدودیت و بدون سرزنش؟ در مورد نوع پوشش و دیگر مسائل شخصی، انتخاب‌های فردی و بروز خلاقیت‌ها هم همین سوال‌ها قابل طرح است.

امور مربوط به حوزه بانوان متفاوت‌تر است. آیا خانم‌ها می‌توانند بدون محدودیت و به دور از نگاه‌های امنیتی در بخش‌های مختلف جامعه به کار و فعالیت و تفریح بپردازند؛ وقتی که درصد بالایی از ورودی دانشگاه‌ها را در اختیار دارند نباید به همین تناسب اجازه فعالیت و استفاده از توانایی‌هایشان را داشته باشند؟ یا بحث استفاده از خدمات تفریحی-رفاهی. مثلا اجازه ورود بانوان به ورزشگاه‌ها؛ به تناسب همه گروه‌های شغلی هم می‌توان همین محدودیت‌ها را در نظر داشت، نویسندگی که اجازه انتشار کتابش را ندارد، گروه‌های صنفی و کارگری که حق اعتراض ندارند و... مسائلی از این دست هستند. بحث دیگر در حوزه محدودیت‌ها به خودی‌ها و غیر خودی‌ها در برخورداری برابر از عدالت است.

گروهی با استفاده از رانت، امتیاز و حاکمیت پول قادر به انجام هر کاری هستند و توانایی انجام هر فعلی را دارند، توانایی که

باعث به حاشیه راندن گروه‌های دیگر شده است. در برخی از مسائل که گویا نگاه قانونی یکسانی وجود ندارد. مثلا پرونده‌های عوامل اسپدپاشی، اختلاس و... هنوز به سرانجام نرسیده است ولی احکام مربوط به حوزه‌های زندگی شخصی یا یک اظهارنظر یا انتقاد پیگیری و صادر شده است.

شرایط مکانی: بحث دیگر مربوط به حوزه مکان‌ها ست، بیش از 70 درصد مردم در شهرها زندگی می‌کنند و مابقی در محیط‌های روستایی؛ در مورد خدمات و امکانات موجود در روستاها باید گفت که در حال حاضر تعدادی از روستاها حتی لوله‌کشی آب یا گاز را ندارند چه برسد به امکانات تفریحی برای گذراندن اوقات فراغت. در بحث شهرنشینی نیز به جز شهرهایی که در مقطعی پایتخت بوده‌اند (تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و تهران) و کلان شهرها؛ شهرهای دیگر به خصوص شهرهای کوچک و متوسط در بحث امکانات تفریحی چیزی از روستاها بیشتر ندارند، تنها تفاوتی که باعث شده است شهر تلقی شوند، داشتن نهاد شهرداری یا چند سازمان دولتی ست.

بالاخره لازم است زمانی که مردم برای پر کردن اوقات فراغت در محیط‌های بیرون به سر می‌برند، امکاناتی نظیر کتاب‌خانه، فرهنگسرا، مراکز خرید، باشگاه‌های ورزشی، سالن‌های نمایش، پارک و شهر بازی وجود داشته باشد تا بتوان به آن مراجعه کرد، وگرنه یک خیابان مرکزی که شهر را دو تکه کرده است با تعدادی مغازه تعمیراتی و سوپر مارکت و نمایی یکنواخت و بی روح از منتهی آجر و بلوک و سیمان که نمی‌تواند پرکننده اوقات فراغت سلیقه‌های مختلف یک شهر باشد. هر چند همان کلان‌شهرها هم دچار معضلات متعددی از جمله آلودگی هوا، ترافیک و ازدحام بیش از حد اندازه هستند.

پس لازم است به جای حواله کردن غمگین بودن کشور به دشمنان و پاک کردن صورت مساله، اهمیت شادی در سلامت جامعه و ملزومات رسیدن به آن شناخته شود تا بتوان برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کرد. سرمایه گذاری در ایجاد مکان‌های فرهنگی تفریحی برای گذراندن اوقات فراغت و احترام گذاشتن به سلیق شخصی و رفع محدودیت‌ها می‌تواند در این زمینه نقش موثری داشته باشد. چرا که تنها نمی‌توان غمگین بودن کشور را به مسائل اقتصادی گره زد، زیرا کشورهایی هستند که وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند ولی از نظر شاخص‌های شاد بودن وضعیتی به مراتب بهتر از ما را دارند.

منبع / بهار